

کتابخانه‌های اسلامی

(۱)

بشر از آغاز تمدن و آشنائی بخط بفکرافتاد معلومات خود را ضمن نوشته‌ها و مکتوباتی جمع‌آوری و ضبط کند . و کم‌کم که این مکتوبات رو بفزونی گذارد در صدد شد آنها را در یکجا گرد آورد. صورت عملی این فکر کتابخانه‌هایی است که از دیر باز بسی جمعی تاسیس و پس از مدتی ضمن تحولات سیاسی یا اتفاقات و حوادث روزمره دستخوش فنا و نیستی شده و جز ذکری از آن طی اوراق تواریخ نماند .

ما اکنون در صدد بیان تاریخ تاسیس کتابخانه در امام گذشته و پیشگامان این فکر و نام بردن از کتابخانه‌های مهم دنیای قدیم نیستیم و محظ نظر ، تاریخچه تاسیس کتابخانه در اسلام و یادی از کتابخانه‌های مهم امام اسلامی در قرون گذشته است . ولی از آنجا که مسلمین پس از گشودن کشورهای مصر و روم از آثار تمدن آنان اقتباس کرده و قهرا تاریخ کتابخانه‌های اسلامی با آنها مرتبط میشود اجمالی از تاسیس کتابخانه را در اعصار باستانی باز گو میکنیم .
متأسفانه تاریخ صحیحی از ابتکار این کار در دست نیست . اینقدر مسلم است که قسمتی از معلومات بشر که صورت تدوین گرفته بود و گمان میرود بیشتر جنبه مذهبی داشته درهیا کل مصر و کلد و آشور وجود داشته ایا نا قسمتی از این مکتوبات در طب و زراعت بوده . چنانکه بعدها کتبی در نجوم و فلکیات بدان ضمیمه گردیده . نقل شده رامیس بزرگ (فرعون مصر) عده زیادی کتاب در قصر خویش جمع‌آوری کرده بود .

کتابخانه سومر

فرید وجدی باستاند همین نقل افتخار تاسیس کتابخانه را بمصریان میدهد . ولی پس

از کشف کتابخانه سومر که هم‌اکنون نیز قسمتی از آن بجاست میتوان گفت مردم این کشور موسی کتابخانه بوده‌اند.

سومر دالکد در پنجهزار سال پیش یعنی حدود سه هزار سال قبل از میلاد در کلد (سومر در جنوب واکد در شمال) سکنی گزیده و دارای تمدن شدند. و در هر دو ناحیه بلادی متعدد ساخته و ملوک این دو قوم که پیشوای مذهبی نیز بودند خود را قائم مقام خداوند و کاهن اعظم شهر خویش میخواندند و بالاخره در جنگهایی که بین کلد و آشور و عیلام در گرفت، مردم سومر بکلی مضمحل شدند و جنگ آورانی از بنی‌سام در بابل بنای دولت جدیدی را گذاشتند (۱) بهر حال کتابخانه مزبور در شهر نیپور از شهرهای سومر «در صد میلی بغداد بوده که در سالهای ۱۸۸۹-۱۹۰۰ ضمن حفاریها الواحی از گل پخته بدست آمد که بیشتر مربوط به هزاره سوم ق م و برخی باز مانده هزاره دوم پیش از میلاد است.

اکثر این الواح در موزه دانشگاه فیلادلفیا و موزه شرق شناسی باستانی استانبول نگهداری میشود. قسمتی نیز بوسیله دلالها خریداری و در موزه بریتانیا و لور و برلن و دانشگاه بیبل موجود است.

در موزه پنسیلوانیا لوحه ایست که فهرست ۶۲ اثر ادبی از کتب باستانی سومر را نوشته. در موزه لوور نیز لوحه‌ای شامل فهرست ۶۸ اثر ادبی موجود است که نام ۴۳ کتاب آن با لوحه موزه پنسیلوانیا مطابقت دارد. و رو بهمرفته اسامی ۸۷ اثر ادبی بر روی دو لوحه منقوش است. لوحه‌ها بخط میخی و مربوط به فهرست کتابخانه یا خانه الواح میباشد. (۲).

جرجی زیدان مینویسد: قدیمترین کتابخانه‌های دنیا در بابل بسال ۱۷۰۰ ق م دائر شد و دانشمندان قرن گذشته در خرابه‌های بابل کتابخانه‌ای یافتند که کتابهای آن از آجرهای پخته بود و روی آن آجرها با خط اسفینی مطالبی نگاشته بودند (۳) ولی چنانکه یاد کردیم سومریها که قبل از سلاطین بابل در بین‌النهرین سکونت داشته‌اند، افتخار تأسیس کتابخانه را دارند. آری ظاهراً بابلیها پیش از مصریان بتشکیل کتابخانه پرداخته‌اند.

اولین کتابخانه عمومی

بهر حال اولین کتابخانه عمومی در قرن ششم ق م در یونان تأسیس شده ولی از آن

۱- تاریخ ملل شرق و یونان آلبر ماله ...

۲- کتاب الواح سومری ص ۲۷۰

۳- ترجمه تاریخ تمدن ۳ - ۳۰۹

مهمتر و مشهور تر کتابخانه‌ایست که نیز در آن کشور در اواخر قرن سوم قبل از میلاد بتوسط بیرگام تأسیس شد که بعدا باسکندریه منتقل گردید. و از این زمان مهمترین کتابخانه در اسکندریه وجود داشت که بتوسط بتلمیوس در قرن سوم ق م تأسیس شد. و کم کم بروفق و شماره کتب آن افزوده گردید. چنانکه مینویسد دارای دو ملیون کتاب بوده. (۴).

پیداست که در این تعداد مبالغه شده. چون با کمی کاغذ که بعدا اشاره خواهیم کرد و قلت دانشمندان در میان آنها نیز معدودی موفق بتدوین معلومات خویش میگردند. گرد آوری اینهمه کتاب امکان عادی ندارد. ولی باینهمه میتوان بعظمت این گنجینه علمی پی برد. از این پی در عهد امپراطور عظیم الشان روم و بدستور وی کتابخانه عمومی روم تأسیس شد. و بدنبال آن کتابخانه‌های دیگری بنا گردید منتهی در قرون وسطی که میتوان گفت دوره رکود دانشها بوده، جز اسمی از این ذخائر علمی باقی نماند. و فقط در کنیسه‌ها مقداری قابل توجه از کتب قدیمی یافت میشد که به احترام کلب محفوظ بود. ولی آنهم دستخوش تاراج اهل کنیسه بود. زیرا راهبان برای نوشتن کتاب مقدس و سایر احتیاجات کتابتی خود از کاغذ کتب نفیس مزبور استفاده میکردند و در نتیجه کتاب را از صورت اصلی خود خارج و تبدیل بمشتی سیاهه مینمودند.

در همین زمان‌ها بود که مسلمین بکارتدوین علوم و جمع آوری معلومات مدونه خود برآمدند که ما برای روشن شدن مطلب ناچاریم بمدتی پیش‌تر برگشته و سیر علوم و موجبات تدوین و تأسیس کتابخانه‌ها در اسلام بررسی کنیم.

خط نویسی در حجاز

خوشبختانه اسلام همزمان پیدایش و آشنائی مردم حجاز بخط و کتابت انتشار یافت. نقل شده که یکی از روسای دومه الجندل (۵) بنام بشرین ولید برای مهمی بمکه آمد. طی مدت اقامت خویش در این محل با ابوسفیان دوست و خویشاوند شد. وی بخط حیری که در نواحی

۴- دائرة المعارف قرن عشرين

۵- نام محلی است در حیره. این محل بدومه الجندل که در هفت منزلی دمشق است اشتباه نشود.

عراق کم و بیش متداول بود آشنایی داشت (۶) ابوسفیان و یکنفر از وی نوشتن آموختند (۷) و پس از این دو جمعی تعلیم گرفتند - بنا بر این مقارن ظهور اسلام هفده نفر از مردان قریش و دوفتر از زنان همین قبیله که یکی حفصه دختر عمر و همسر پیغمبر اکرم است بخواندن و نوشتن آشنا بودند . در مدینه نیز بوسيله قوم يهود خط نويسي پديد آمد. پس از گسترش اسلام فدا و بهای آزاد شدن جمعی از اسیران را که بخط آشنائی داشتند آموختن آن بجمعی از مسلمین قرار داده و بدین ترتیب عده معتنا بهی از مسلمانان صدر اسلام بخط نوشتن آشنا شدند و تشویق پیغمبر بر این کار دامنه آموزش خط را در میان اصحاب توسعه داد . و میدانیم که جمعی از همین کسان و حسی نویسان یا نامه نگاران پیغمبر بودند . و حتی بعضی علاوه بر وظیفه محوله ، قرآنهایی برای خود نگاشته و تدوین نموده بودند که از آن جمله علی بن ابیطالب (ع) است .

قرآن علی بن ابیطالب ع

ابن ندیم که در قرن چهارم میزیسته در کتاب نفیس (الفهرست) که بسال ۳۷۷ نوشته شده مینویسد (۸) مصحفی بخط علی بن ابیطالب نزد ابویعلی حمزه حسنی مشاهده کردم (۹) . یعقوبی (متوفای قرن سوم) نیز از این قرآن و ترتیب سوره های آن یاد میکند (۱۰) . مقریزی (متوفای ۸۴۵) در خطط مصر : (المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار)

۶- خط گوفی یا حیری ، قسمتی از خط سریانی است که بقلم سطر انجیلی (یعنی نگارش انجیل و سایر مطالب دینی) معروف بوده و با مختصر تغییراتی بشکل خط گوفی (که مدتها نوشته های اسلامی و تا اواسط بحرن سوم قرآن بان نوشته میشد) درآمد رک تاریخ تمدن انسلامی و آداب اللغة از جرجی زیدان . دائرة المعارف قرن عشرين در باره خط . پرتو اسلام - تاریخ ادبیات بروگلمان .

۷- ظاهرا جمعی از اعراب قبلا بخط نبطی آشنایی داشتند ولی خطی که پس از انتشار اسلام متداول شد همین خط گوفی است که خط وفی است که ابتدا در مکه پدید گردید .

۸- فهرست ص ۴۸ .

۹- این شخص صاحب کتاب «من روی عن جعفر بن محمد من الرجال» و از محدثین جلیل القدر شیعه است (رجال نجاشی ص ۱۰۸) نامبرده جد سید جلیل شریف محمد بن حسن جعفری است که داماد شیخ مفید و خلیفه وی بوده و بسال ۶۲۳ در گذشته . خلاصه الاقوال - عمده الطالب ص ۲۰ . الکنی والالقب قمی . در نخبه المقال آمد :

از قرآنی بخط علی بن ابیطالب که در کتابخانه^۱ خلفای فاطمی مصر وجود داشته ، یاد میکنند . این قرآن در جامع عتیق مصر در محفظه‌ای از نقره نگهداری میشده که مأمون بطانحی وزیر آمر خلیفه^۲ فاطمی مصر دستور داد محفظه‌ای از زر برای آن ساختند (۱۱) سید جمال الدین داودی حسنی متوفای ۸۲۸ (۱۲) در کتاب عمده^۳ الطالب ص ۵ چاپ بمبئی مینویسد :

در خزانه^۴ حضرت امیر قرآنی بخط آنجناب در سه جلد موجود بوده که سال ۷۵۳ ضمن حریق آنجا آتش گرفت . امضای این قرآن طبق نقل وی از سید تاج‌الدین بن معیه و شیخ فخرالدین بن حدید اسدی علی بن ابیطالب بوده که حرف باء در خط کوفی شبیه باوا نوشته شده . سپس از مصحفی که خود بخط آنجناب در مزار عبیدالله علی در یکجلد مشاهده کرده نام میبرد . و اضافه میکند که در این مصحف حرف باء در امضای آن (علی بن ابیطالب) شبیه بیاء نوشته شده بود که حاصل این دو نقل تعداد قرآنهائی است که بخط آنحضرت نوشته شده .

ماجرای سوختن قرآن علی ع

ولی طبق نوشته همین دانشمند قرآن مزار عبیدالله نیز ضمن آتش‌سوزی مشهد آنجناب دستخوش حریق شده چنانکه میدانیم هم اکنون سه قرآن منسوب بمولی^۵ در کتابخانه آستان قدس رضوی ع و قسمتی از یک قرآن در موزه آستانه مبارکه حضرت امیر ع در نجف موجود است . ولی آیا بین این قرآنهائی موجود (در موزه آستان قدس و خزانه غروی) با آنچه داودی در عمده^۶ الطالب آورده نسبتی موجود است یا نه ناچار توضیح مختصری از نظر قارئین محترم میگردانیم .

در حاشیه^۷ نسخه^۸ خطی عمده^۹ الطالب موجود در کتابخانه آستان قدس بخط حسین کتابدار نسابه یادداشتهای مفیدی است (۱۳) که منجمله در باره^{۱۰} قرآن خزانه غروی مرقوم داشته .

۱۱- خطط ۲- ۲۵۲

۱۲- وی داماد سید تاج‌الدین بن معیه است. مولف را کتاب دیگری است در انساب بنام بحر الانساب که نسخه‌ای از آن در تابخانه خدیویه مصر موجود است . بهر حال عمده^{۱۱} الطالب چنانچه در آغاز آن آمده بسال ۸۱۲ تالیف شده . ولی در کشف الظنون سال ۸۱۴ را تاریخ تالیف آن مینویسد . ک. مقدمه چاپ نجف .

۱۳- اطلاع اینجانب از نسخه مزبور ، مرهون راهنمایی دوست دانشمند جناب آقای سید موسی شبیری نجل حضرت آیه^{۱۲} الله زنجانی قمی است .

مصحفی را که سید نقیب (ابن معیه حسنی نسابه) در مشهد غروی ملاحظه کرده هم اکنون در خزانه شریف نجف موجود است. منتهی قسمت مهمی از آن بکلی سوخته و فقط یک جلد باقی مانده. این مجلد نیز فاقد حواشی است. زیرا تمام حاشیه و کمی از متن با آتش سوخته (یکی از قرآن های موجود در آستان قدس نیز فاقد قسمتی از حاشیه است و از این رو محتمل است که قسمتی از قرآن مشهد غروی یا مزار عبیدالله بن علی باشد).

ترتیب قرآن علی ع

نکته دیگری که تذکر آن لازم است اینکه قرآنهاى فعلی (در موزه های رضوی و خزانه غروی) بترتیب قرآن عثمانی (یعنی همین قرآنهاى متداول است. ولی قرآنی که یعقوبی از حضرتش نام میبرد دارای ترتیب دیگری (در سوره ها) است. در فهرست ابن ندیم گرچه جای ترتیب سوره ها که میخواست اضافه کند، نانویس مانده، ولی از اینکه محل مزبور را سفید گذارده میسراند قرآنی که از آنحضرت دیده بترتیب دیگری بوده است.

در اینکه قرآنی یا قرآنهاى حضرت امیر نوشته اند از نظر تاریخ جای تردید نیست. بلکه این قرآن را حضرتش در زمان پیغمبر و بترتیب نزول (که خود شاهد آن بوده) ثبت و ضبط میفرموده. منتهی پس از رحلت رسول اکرم اوراق آنرا گردآوری و مرتب فرمود (۱۴). مفاد اخبار زیادی در کتب حدیث نیز آنست که قرآن مزبور در خاندان طهارت و نزدائمه شیعه موجود است (۱۵). بنا برین آنچه را یعقوبی مینویسد همان ترتیب مصحف علی ع است که نزد امامان شیعه محفوظ بوده ولی قرآنی که ابن ندیم از آن یاد میکند ممکن است همان قرآن خزانه غروی باشد که در قرن چهارم نزد ابایعلی که از سادات جلیل حسنی است موجود بوده. و چون ندیم با شیعه خلطه و آمیزش داشته و مضمون نوشته یعقوبی که ترتیب قرآن علی ع با قرآن متداول تفاوت داشته بخاطرش بوده، گمان کرده سوره های مصحفی را که نزد ابو یعلی دیده ترتیب خاصی داشته لذا جای آنرا بیاض سفید گذارده تا در فرصتی قرآن مزبور را و ارسی کند.

دنباله دارد

۱۴- ابن ندیم در فهرست آورده پس از وفات پیغمبر حضرتش قسم یاد کرد تا قرآن را جمع نسازد و از

دوش نیفتد. لذا سه روز در خانه نشست تا قرآن را جمع کرد فهرست ص ۴۸.

۱۵- ابن ندیم نیز این قرآن را در خاندان جعفر (ظاهرا حضرت صادق) میداند.